

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: توماج

۱۰/۱۱/۲۱

چه خواهد شد و چه باید کرد؟

کارگران و زحمتکشان، نگران اجرای طرح دولتی آزادسازی قیمت‌ها، موسوم به هدفمندسازی یارانه‌ها هستند. در همه جا صحبت از گران شدن بهای کالاها و خدمات است. مردم از یکدیگر می‌پرسند چه خواهد شد و چه باید کرد؟ آن‌چه که رخ خواهد داد بر کسی پوشیده نیست. خود دولت از مدت‌های پیش به قصد زمینه‌سازی و به اصطلاح جا انداختن قضیه در میان مردم و آماده‌سازی ذهنی اجرای طرح، به طرق مختلف اعلام کرده است که مردم باید در انتظار افزایش جهش‌وار بهای کالاها و خدمات باشند. اما توجیهات مختلفی نیز برای آرام کردن توده مردم ارائه داده است. ادعا می‌شود که این یک "جراحی بزرگ" برای شفای اقتصاد بیماری‌ست که مردم زحمتکش را در سراسر دوران حیات جمهوری اسلامی، به فقر، گرسنگی، بیکاری و تمام مصایب ناشی از آن‌ها محکوم کرده است و با این "جراحی بزرگ" مردم از وضعیت فلاکت‌بار موجود نجات می‌یابند. ادعای دیگر این است که دولت به خاطر رفاه حال توده‌های فقیر و زحمتکش، "هدفمندسازی یارانه‌ها" را در دستور کار قرار داده تا یارانه‌ها "عادلانه" توزیع شوند و گویا فقط نصیب مردم فقیر و زحمتکش گردند. پوچی ادعاهای رژیم بر کمتر کسی پوشیده است. آن بخش از مردم که آگاه‌ترند، می‌دانند آزادسازی قیمت‌ها، جزء دیگری از سیاست اقتصادی نئولیبرال در خدمت منافع طبقه سرمایه‌دار و علیه طبقه کارگر و اقشار زحمتکش مردم است. پدیده جدید و ناشناخته‌ای نیست. در تعداد دیگری از کشورهای سرمایه‌داری جهان به مرحله اجراء درآمد. منافع کلانی عاید سرمایه‌داران کرد. توده‌های زحمتکش را به ورطه فقری کمرشکن سوق داد و به جای بهبود اوضاع اقتصادی به بحران‌های عمیق‌تر انجامید و سرانجام، ورشکستگی این سیاست برملا گردید. برای آن بخش از توده‌های مردم که شناخت و آگاهی دقیقی از رابطه طرح اجرای آزادسازی قیمت‌ها با کل سیاست اقتصادی دولت ندارند، نیز جعلی بودن ادعاهای دولت پوشیده نیست. آن‌ها به تجربه دیده‌اند که جمهوری اسلامی در طول این ۳۲ سال، حتا لحظه‌ای به فکر بهبود وضعیت مادی و معیشتی آن‌ها نبوده است. هر آن‌چه که انجام داده در جهت انباشت سرمایه و ثروت در دست گروهی اندک و فقر روزافزون اکثریتی عظیم از مردم ایران بوده است. آن‌ها به تجربه دیده‌اند که دولت کارش گرفتن از مردم و خالی کردن هر چه بیش‌تر جیب آن‌هاست و نه دادن چیزی به مردم. حقیقتی‌ست که دولت انگلی‌ست که فقط با ارتزاق از حاصل دسترنج

کارگر و زحمتکش به حیات خود ادامه می‌دهد. بنابراین وقتی که دولت اعلام می‌کند می‌خواهد در هر ماه مبلغ ۴۰۵۰۰ تومان به عنوان یارانه نقدی پرداخت کند، حتماً ناآگاهترین مردم نیز می‌فهمند که لابد می‌خواهد حداقل، دو برابر آن را از طریق گران کردن کالاها و خدمات بازپس بگیرد و نه این که واقعاً قصد پرداخت چیزی را به مردم داشته باشد.

به هر رو، تا این‌جای قضیه روشن است که قرار است بهای کالاها و خدمات، افزایشی بسیار فراتر از آن چیزی داشته باشد که همه ساله وجود داشته است. اما یک چیز هنوز در پرده ابهام قرار دارد. تورم تا کجا به پیش خواهد تاخت؟ آیا آن‌گونه که ارزیابی‌های برخی مقامات و ارگان‌های خود رژیم می‌گویند، در محدوده پائین‌تر از ۵۰ درصد متوقف خواهد ماند، یا به کلی افسار خواهد گسیخت. از آن رو احتمال این افسارگسیختگی وجود دارد که پی‌آمد آزادسازی قیمت‌ها به تاثیر زنجیره‌ای و واکنشی افزایش بهای چند کالای انحصاری دولت یا حذف به اصطلاح یارانه تعدادی از کالاها بر تمام کالاها و خدمات، محدود نیست. آنچه این احتمال را تقویت می‌کند، اجرای پروژه آزادسازی قیمت‌ها در شرایطی است که اقتصاد سرمایه‌گذاری ایران در وخیم‌ترین بحران و از هم گسیختگی به سر می‌برد. آزادسازی قیمت‌ها خلاف ادعای اقتصاددان‌های رژیم، از آن رو که قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد، رکود را تشدید خواهد کرد. از آن جایی که مؤسسات تولیدی، تحت تاثیر عوامل داخلی و بین‌المللی، قدرت پاسخ‌گویی به نیازهای بازار داخلی را ندارند، کمبود شدید کالاها مورد نیاز روزمره مردم پدید خواهد آمد. ذخائر دولتی تنها برای مدت محدودی می‌تواند تاثیر ناچیزی داشته باشد، نتیجتاً بهای کالاها پی در پی افزایش خواهد یافت. تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی که مانعی بر سر راه سرمایه‌گذاری انحصارات جهانی است، تاثیر منفی خود را بیش از پیش بر جای خواهد گذاشت. این تحریم‌ها از جهت دیگر، یعنی واردات مواد خام، کالاهای واسطه‌ای و پیش ساخته و افزایش هزینه‌های نقل و انتقال بر افزایش بهای کالاها تاثیر دیگری بر جای خواهد گذاشت. در نتیجه بحران جهانی و ایضاً تحریم‌ها، درآمد دولت از فروش نفت و گاز کاهش یافته و این خود به مانعی دیگر برای واردات کالاها و نتیجتاً کمبود و گرانی بیش‌تر تبدیل خواهد شد. بنا بر این، مجموعه‌ای از عوامل عمل می‌کنند که احتمال افسارگسیختگی نرخ تورم را حتی به رقمی بسیار فراتر از ۵۰ درصد تقویت می‌نمایند. در بطن این شرایط و فشارهای غیر قابل تحملی که بر توده‌های زحمتکش وارد خواهد آمد، رشد نارضایتی، گسترش اعتراضات و اعتلای جنبش توده‌ای به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل خواهد شد. طبیعی است که شاهد رشد اعتراضات مردم، تلاش و مبارزه آن‌ها در برابر این فشارهای غیر قابل تحمل باشیم. حتماً احتمال وقوع شورش‌های توده‌ای وجود خواهد داشت.

این مبارزه چه دستاوردی می‌تواند داشته باشد و چگونه می‌تواند به یک مبارزه کاملاً پیروزمند تبدیل گردد؟

در وهله نخست، همه چیز به وسعت و دامنه اعتراض و مبارزه توده‌ای وابسته است.

کارگران و زحمتکشان مردم ایران تجربه مبارزات حدوداً دو دهه پیش را دقیقاً بر سر همین مسأله آزادسازی قیمت‌ها و عواقب ناشی از آن فراموش نکرده‌اند. در پی اجرای طرح آزادسازی قیمت‌ها توسط رفسنجانی، در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، موج اعتراضات توده‌ای مناطق وسیعی از ایران را فراگرفت. این اعتراضات که عموماً از میان تهیدستان حاشیه‌نشین شهرهای بزرگ آغاز گردید، در مشهد، شیراز، همدان، لرستان و اکبرآباد یا همین اسلام‌شهر کنونی، شکل شورش و حمله به مؤسسات و نهادهای دولتی و مالی نظیر بانک‌ها را به خود گرفت. مهم‌ترین این اعتراضات به لحاظ وسعت، در اسلام‌شهر رخ داد که رژیم تنها با گسیل توپ و تانک و گلوله‌باران مردم توسط هلی‌کوپترها توانست اوضاع را تحت کنترل درآورد. جنبش سرکوب شد، اما بدون نتیجه نبود. همین

مبارزات باعث گردید که رژیم عجالتاً طرح آزادسازی قیمت‌ها را متوقف سازد. گرچه جنبش تهیدستان کاملاً بی‌سازمان بود و شکل مبارزه، شورشی، اما وسعت اعتراض که مناطق وسیعی از ایران را فراگرفت، رژیم را ناگزیر به عقب‌نشینی کرد. بنابراین نتیجه‌بخش بودن مبارزه کنونی توده‌های مردم ایران در مرحله جدید آزادسازی قیمت‌ها که ابعادی بسیار گسترده‌تر از آزادسازی قیمت‌ها در دوران رفسنجانی دارد و نتایجی به مراتب فاجعه‌بارتر، مقدم بر هر چیز به دامنه و گستره مبارزات و اعتراضات وابسته است.

اما اگر دو دهه پیش، رژیم انتظار واکنشی چنین شدید را از جانب مردم نداشت و از همین رو به علت عدم آمادگی و ترس از گسترش شورش‌ها، راه عقب‌نشینی در پیش گرفت، اکنون رژیم با سازمان یافتگی و آمادگی به مقابله با موج اعتراضات به ویژه با در نظر گرفتن مبارزات سال گذشته مردم ایران، اجرای این پروژه را در دستور کار قرار داده است. بنابراین مقابله با رژیم و سیاست‌های آن از جانب توده‌های مردم نیز نیازمند چنان سازمان یافتگی و اشکال مبارزاتی‌ست که بتواند تلاش‌های رژیم را خنثا کند. روشن است که توده‌های مردم ایران، در قیاس با دو دهه پیش، به سطوح عالی‌تری از آگاهی و به کارگیری اشکال مبارزه دست یافته‌اند. سال گذشته میلیون‌ها تن از مردم به مبارزه‌ای رودررو برای سرنگونی رژیم برخاستند. به تظاهرات، راهپیمایی و سنگ‌ربندی‌های خیابانی روی آوردند. این مبارزه در مقایسه با شورش‌های دو دهه پیش، بازتاب مرحله‌ای بسیار سازمان یافته‌تر و آگاهانه‌تر بود که بر بستر مبارزات چندین ساله قبل از آن توسط کارگران و زحمتکشان و تلاش کارگران، معلمان، دانشجویان و زنان برای متشکل شدن و پیشبرد مبارزه‌ای سازمان یافته، شکل گرفت. از همین رو، این مبارزه در اشکالی رخ داد که توانست به مدت چند ماه دوام آورد. با این همه، فروکش این مبارزه نشان داد که سطح سازمان یافتگی و شکل مبارزه منطبق بر آن هنوز در آن حد نیست که بتواند رژیم را از پای درآورد. حضور مردم در این مبارزه ملیونی بود، اما ضعف سازماندهی، رهبری و شکل مبارزه، سبب گردید که رژیم با یک نیروی سازمان یافته ده‌ها هزار نفری، ارتش ملیونی مردم را سرکوب کند و پراکنده سازد. این واقعیتی‌ست که صحنه مبارزه طبقاتی و مبارزه مردم یک کشور برای تحقق مطالبات و اهداف خود علیه رژیم حاکم، همانند یک صحنه جنگ میان ارتش‌های دولت‌های متخاصم است. در جنگ، آن طرفی پیروز می‌شود که سازمان یافته‌تر عمل می‌کند. از رهبری قدرتمندی برخوردار است. تاکتیک‌های متناسب با قدرت خود را در شرایط زمانی و مکانی مناسب اتخاذ می‌کند و هدفی کاملاً روشن دارد.

کمیت نیرو، عامل مهمی در جنگ است. با این وجود یک ارتش پرجمعیت، اما بی‌سازمان، در برابر ارتشی کوچک‌تر ولی سازمان یافته‌تر متحمل شکست خواهد شد. این تجربه‌ای‌ست که توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران باید به خوبی از آن آموخته باشند و آن را در جریان مبارزات پیش روی به کار بندند. این واقعیت را اکنون هر کس می‌داند که شورش‌های بی‌هدف، نتیجه مطلوب برای مردم در پی نخواهد داشت. در عین حال مردم در عمل دیدند که اشکال مبارزات خیابانی از نمونه راهپیمایی‌ها و تظاهرات نیز به تنهایی برای پیروزی کافی نیست و به اشکال عالی‌تر و کارآتری از مبارزه نیاز است و یکی از مهم‌ترین این اشکال، اعتصابات وسیع و سراسری‌ست و این نیز سطح عالی‌تری از سازمان یافتگی را می‌طلبد.

تردید نیست که با توجه به نارضایتی عمومی توده‌های وسیع مردم از جمهوری اسلامی، همراه با اجرای مرحله جدید پروژه آزادسازی قیمت‌ها و فشار بیش از حد آن بر کارگران و زحمتکشان، اعتراض و مبارزه وسعت خواهد گرفت و جنبش اعتلای مجدد خواهد یافت. این مبارزات قاعدتاً در کشوری که اختناق و دیکتاتوری عربیان بر آن حاکم است به شکل جنبش‌های اعتراضی خودانگیخته رخ خواهد داد. آنچه حائز اهمیت است، جهت‌گیری این

جنبش‌ها به سوی اشکال عالی‌تری از مبارزه از نمونه اعتصابات در مؤسسات مختلف تولیدی و خدماتی، در سراسر کشور است. اما پوشیده نیست که کارگران و زحمتکشان دستمزد و حقوق بگیرند که به مبارزه برمی‌خیزند، از همان آغاز، از سازمان‌دهی و رهبری لازم برای شکل دادن به اعتصابات سراسری برخوردار نیستند. اصولاً نمی‌توان انتظار داشت که توده‌های کارگر و زحمتکش در شرایط دیکتاتوری عریان حاکم بر ایران، نخست به سطح بالایی از سازمان یافتگی و رهبری دست یابند و سپس مبارزه خود را پیش برند. این سازمان یافتگی، آگاهی و رهبری، در کشورهایی از نمونه ایران، تنها در جریان مبارزه‌ای به دست می‌آید که شرایط عینی، آن را در دستور کار توده‌های بی‌سازمان قرار داده است. در این جا آنچه که ضروریست وجود ولو گروه محدودی از پیشروترین و آگاه‌ترین کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان و غیره در محل کار و زندگی‌ست تا بتوانند توده‌ای را که خود به خود به حرکت درآمده است، سازمان‌دهی و رهبری کنند و جنبش‌های منفرد و پراکنده را به یکدیگر پیوند دهند. از این طریق است که مبارزه در ایران می‌تواند شکلی سازمان یافته، رهبری شده و آگاهانه به خود بگیرد و با چشم‌انداز اعتلای نوین و خود به خودی جنبش توده‌ای که نتیجه ناگزیر سیاست‌های رژیم خواهد بود، ضربه قطعی را بر جمهوری اسلامی وارد آورد. اگر در هر کارخانه و مؤسسه تولیدی و خدماتی، یک کمیته مخفی و حتماً هسته مخفی از کارگران پیشرو و آگاه شکل گرفته باشد، اگر معلمان پیشرو، خود را در یک تشکل مخفی سازمان‌دهی کرده باشند که بتوانند در جریان اعتراضات پیش روی دخالتی فعال داشته باشند، اگر دانشجویان چپ و رادیکال هسته‌های مخفی دانشجویی را در دانشگاه‌ها دایر کرده باشند، اگر جوانان مبارز در محلات، کمیته‌های مخفی محلات را سازمان‌دهی کرده باشند، در آن صورت قطعاً جنبش خود به خودی توده‌های مردم ایران که زیر فشارهای مادی و معیشتی ناشی از اجرای پروژه آزادسازی قیمت‌ها، اعتلاء خواهد یافت از این ظرفیت برخوردار است که سریعاً به مبارزه سازمان یافته تبدیل شود و به اشکال عالی‌تری از مبارزه نظیر اعتصابات عمومی و قیام مسلحانه ارتقا یابد. برای مقابله با رژیم سر تا پا مسلح و سازمان یافته، به مبارزه سازمان یافته و اشکال مبارزاتی موثر و کارا نیاز است. اگر جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان مردم ایران نتواند به جنبشی سازمان یافته، سراسری و هدفمند برای مقابله با رژیم و سیاست‌های فوق ارتجاعی آن تبدیل گردد، نخستین نتیجه ناشی از اجرای قانون موسوم به هدفمند سازی یارانه‌ها فقر بی‌سابقه‌ایست که اکثریت بزرگ مردم ایران گرفتار آن خواهند شد. راهی جز مبارزه گسترده، پرحاشیه، سازمان یافته و آگاهانه برای پیروزی توده‌های مردم ایران وجود ندارد. در این میان وظیفه سنگینی بر دوش بخش آگاه‌تر توده‌های کارگر و زحمتکش قرار دارد که باید برای برطرف ساختن ضعف‌های کنونی جنبش و خنثا کردن تاکتیک‌های سرکوب‌گرانه رژیم برای جلوگیری از متشکل شدن توده‌ها اقدام کنند و در هر کجا که هستند، در محل کار و زندگی خود هسته‌ها، کمیته‌ها و تشکل‌های مخفی را ایجاد نمایند. تلاش کنیم در شرایطی که وسیع‌ترین توده‌های کارگر و زحمتکش زیر فشار فقر، گرانی و بیکاری، به مبارزه‌های علنی و رو در رو با رژیم برمی‌خیزند، ضربه قطعی را به جمهوری اسلامی وارد آوریم.